

کارگر پیشتاز

. کنترل کارگری بر تولید و توزیع! . افزایش دستمزدها متناسب با تورم! . دفاتر دخل و خرج باز گردد!

برنامه اقدام کارگری

برنامه و سیاست های دولت ایران، برنامه ای برای اقدام سرمایه داری است.

هدف آنان، حراست و حفاظت از نظام سرمایه داری و به اجبار احیای روابط نزدیک با سرمایه داری جهانی است، و نقشه آنان، اعمال استثمار مضاعف بر طبقه کارگر و زحمتکشان ایران.

منطق این نظام، مانند هر نظام سرمایه داری (اعم از پیشرفته یا عقب مانده)، کسب ارزش اضافی و انباشت سرمایه از طریق خرید (و استثمار) نیروی کار زحمتکشان است.

در تقابل با برنامه آشکار و پنهان سرمایه داران برای استثمار کارگران، ضروری است که زحمتکشان نیز «برنامه اقدام» خود را داشته باشند. برنامه ای که آنان را برای مقابله روزمره با دولت سرمایه داری، آماده و شرایط را برای استقرار حکومت کارگری مهیا کند. اکنون با پیوند آشکار نظام سرمایه داری جهانی با دولت سرمایه داری ایران، کلیه قشرهای تحت استثمار جامعه-کارگران؛ زحمتکشان؛ ملیت های تحت ستم؛ جوانان مبارز و زنان مبارز- می توانند برنامه اقدامی که آنان را زیر یک پرچم واحد ضد سرمایه داری و برای مبارزات روزمره ضد سرمایه داری گرد بیاورد و متحد سازد، تدوین کنند. مفاد این برنامه می تواند و باید متکی بر مطالبات و خواسته هایی باشد که از سطح آگاهی فعلی کارگران و قشرهای تحت ستم آغاز می کند و آنان را از مقابله روزمره با سرمایه داری قدم به قدم تا سرحد به دست گرفتن قدرت سیاسی و تشکیل حکومت کارگری، رهنمود می دهد.

eghdamkargaari.wordpress.com

اعتصاب شکن ها را افشا کنیم!

کارل مارکس در سطرهای ابتدایی مانیفست، در حکمی قطعی می گوید: «تاریخ تمام جوامع تا به امروز همانا تاریخ نبرد طبقات است.» مارکس همچنین ادامه می دهد «آزاد و برده، نجیب زاده و عامی، ارباب و رعیت، استاد کار و شاگرد، و خلاصه ستمگر و ستمکش، در رودرروئی دائمی با یکدیگر قرار گرفته و دست به مبارزاتی بی وقفه - گاه پوشیده و گاه آشکار - زده اند که هر بار یا به دگرگونی انقلابی کل جامعه، یا به نابودی مشترک طبقات در ستیز منتهی شده است.»

مخاصمه ی طبقاتی، نزاعی آشتی ناپذیر است که چاره و راهکاری جز انقلاب و دگرگونی اجتماعی برای رفع آن وجود ندارد. دو طبقه ی ستمگر و ستمکش، همواره در طول تاریخ اولاً وجود داشته اند و دومادر حال مبارزه با هم بوده اند. اما خط کشی بین این دو نیرو وضعیت مکانیکی ندارد. کم نبوده اند افرادی که از نظر عینی به یکی از این دو طبقه تعلق داشته اند اما در میدان نزاع به نفع طبقه ی مقابل جنگیده اند. به عنوان مثال اصطلاح لپن پرولتاریا نخستین بار از سوی مارکس طرح شد. «خرده طبقه ای» که برخلاف بورژوازی و پرولتاریا، در کار و فعالیت تولیدی هیچ نقشی ندارد و از طریق گدایی، واسطه گری و کلاهبرداری امرار معاش می کند.

اعتصاب شکن ها نیز در چنین چارچوبی قابل خوانش هستند. افرادی از طبقه ی کارگر که در اعتصاب کارگران، به یاری کارفرما می روند و وقتی تمام کارگران دست از کار کشیده اند، نه تنها به کار ادامه می دهند بلکه حاضر می شوند کار چند نفر را یکجا انجام دهند و ادامه ی اعتصاب را ناممکن کنند. سرمایه داران اعتصاب شکن ها را با وعده ی اضافه حقوق یا بهبود نسبی شرایطشان به خدمت خود در می آورند و از آن ها استفاده می کنند. در وضعیت وجود بیکاری گسترده، کار شکستن اعتصاب برای کارفرما آسان تر نیز می شود. خیل عظیمی از متقاضیان کار در یک روز جایگزین کارگران اعتصابی می شوند و اعتصاب عملاً شکست می خورد. نزدیکترین تجربه از این جنس در اعتصاب کارگران پتروشیمی بوشهر اتفاق افتاد. کارفرما در یک روز پانصد کارگر اعتصابی را اخراج و کارگران جدید را جایگزین آنها کرد. هر چند این روش همیشه برای کارفرما قابل دسترسی نیست. کارهایی که نیاز به مهارت یا تجربه دارند با جایگزینی کارگران جدید مختل خواهند شد. همچنین وقتی یک اعتصاب گسترده وجود داشته باشد، و تمام کارگران یک کارخانه به اعتصاب پیوسته باشند اولاً کارفرما نمی تواند برای تمام کارگران جایگزین پیدا کند و دوماً

اتحادیه های مستقل کارگری

همانند شوراها، اتحادیه های کارگری نیز در دوره اعتلای انقلابی شکل واقعی به خود می گیرند. اتحادیه های مستقل کارگری یکی از ابزارهای دائمی جنبش توده ای است. اتحادیه های مستقل کارگری چه در دوره استیلاي دولت سرمایه داری و چه در دوره استیلاي قدرت کارگری، ضرورت خود را حفظ می کنند. اما، ایجاد اتحادیه های کارگری الزاماً یک مرحله اجتناب ناپذیر در رشد جنبش کارگری نیست. در شرایطی ممکن است که شوراها حتی پیش از اتحادیه های کارگری ایجاد گردند.

کارگران پیشرو در تشکیل اتحادیه های مستقل کارگری پیش قدم می شوند و تشکیل آنان را تسریع می کنند. اما اتحادیه های کارگری نیز همانند شوراها، کارگری، یک نهاد «سیاسی-صنفي» هستند، نه صرفاً «صنفي» (انحراف سندیالیستی).

اتحادیه های کارگری بدون در نظر گرفتن عقاید سیاسی و مذهبی، ملیت، نژاد و جنسیت، کلیه کارگران را برای مبارزه متحد در دفاع از منافع و خواست های خود زحمتکشان سازمان می دهد. اتحادیه های مستقل کارگری تنها از بطن مبارزه و به وسیله خود زحمتکشان شکل می گیرند. از برنامه اقدام کارگری



با ما در تلگرام تماس بگیرید

@Komitehe1Eghdam

کارگران میتوانند با ترک نکردن محل کارشان جلوی ورود نیروهای جدید را بگیرند.

در اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه و همچنین اعتصاب کارگران نیشکر امیرکبیر در خوزستان، کارفرما با تلاش برای استخدام کارگران غیر بومی برای شکستن اعتصاب تلاش کرد و همین امر با هوشیاری و مقاومت کارگران منجر به گسترش بیشتر و رادیکال تر شدن مطالبات اعتصاب شد.

چه باید کرد؟

در سال های نزدیک به انقلاب اکتبر در روسیه، تعداد زیادی کارگر مهاجر ایرانی در روسیه حضور داشتند. حزب بلشویک توانسته بود تعداد زیادی از کارگران روسیه را به هژمونی خود جذب کند و در نتیجه قادر بود اعتصابات گسترده ای را اجرا و هدایت کند. بورژوازی روسیه، که حضور کارگران ایرانی را فرصتی برای شکستن این اعتصابات دانسته بود، در هنگام استخدام این کارگران از آنها تعهد می گرفت که در اعتصابات شرکت نکنند و در صورت لزوم به عنوان اعتصاب شکن و حتی نیروی سرکوب اعتصاب عمل کنند. حزب بلشویک در مقابل این بحران محتمل، دست به ابتکار عمل تاریخی و به موقعی زد. کادرهای حزب بلشویک به کمک روشنفکران و کارگران پیشروی ایرانی، تشکیلاتی تحت عنوان تشکل همت ایجاد کردند و اکثر کارگران ایرانی مهاجر تحت هژمونی این تشکل سازماندهی شدند و به صف انقلابیون پیوستند. این تشکل بعدها در تحولات ایران در عصر مشروطه نیز تاثیرات جدی داشت.

کارگران هفت تپه نیز در این مقطع می توانند از این تاکتیک استفاده کنند و سازماندهی اعتصاب خود را به کارگران غیر بومی گسترش دهند. سطح آگاهی در اعتصاب هفت تپه تا مطالبه ای «کنترل کارگری» پیش رفته است. این آگاهی می تواند در ارتباط با کارگران غیر بومی به آنها نیز منتقل شود و آنها را به صفوف اعتصابی پیوند دهد.

بخشی از اعتصاب شکنان نیز افرادی هستند که به عنوان مزدور سرمایه داران عمل می کنند و در قبال دریافت پول دست به اعتصاب شکنی می زنند. در مورد این افراد افشاگری در مورد هویتشان، موجب افزایش هزینه ی عملشان خواهد شد و در نتیجه آنها را به جبر در کنار اعتصاب قرار می دهد. این عمل علاوه بر عینی تر کردن افشاگری در مورد این افراد می تواند مقدمه ای بر مطالبه ای «باز شدن دفترهای دخل و خرج» برای آگاهی کارگران از وضعیت اقتصادی کارخانه و سود سرمایه داران باشد.

اتخاذ تصمیم در مورد این فعالیت ها و اعمال آنها نیازمند هسته های مخفی اعتصاب و نهایتاً کمیته ی اعتصاب است.

به پیش برای سازماندهی مخفی اعتصاب!

اعتصابات کارگری و وظایف ما

می توان گفت هفت تپه در شرایط امروز طبقه کارگر ایران، در میان محیط های کارگری از همه رادیکال تر است. و چندین سال است که می توان به طور مداوم اعتراضات و اعتصابات طیف عظیمی از کارگران آن را دید. اما حتی اعتصابات، اعتراضات، مطالبات و تجمعات کارگران این کارخانه وارد مرحله جدیدی شده است. به گونه ای که طرح شعارها و مطالبات از سوی آنان به شکلی بسیار تکامل یافته تر تغییر کرده و از مطالبات ساده و ابتدایی چند سال پیش فاصله بسیاری گرفته است. طرح شعارهای انتقالی توسط کارگران پیشتر نشان از رشد فزاینده و آگاهی طبقاتی و سیاسی آنان دارد. کارگران با کسب چنین آگاهی در حال به زیر کشیدن غایندگان دولت سرمایه داری در محل های کار خود هستند. به طوری که می توان پیش بینی کرد که هدف بعدی این کارگران به چالش کشیدن و همچنین سرنگون کردن خود دولت سرمایه داری است. انتخاب سخنگویان و غایندگان توسط کارگران هم مهر تأیید دیگر بر دقت و آگاهی بیشتر آنان است. کارگران هفت تپه چنان در پروسه سازمان دهی اعتصابات و اعتراضات چندین ساله پخته شده و استقلال ذهنی یافته اند که به درستی از اهرم فشاری همچون اعتصابات و یا تهدید به آن استفاده کرده و سعی دارند تا از این طریق ارزش واقعی کار و نیروی کارشان را به سرمایه داران بفهمانند.

اما در روند تخاصم میان دو طبقه کارگر و سرمایه دار، طبعاً دولت سرمایه داری به عنوان حافظ منافع طبقات بالا، با تکیه بر نیروی سرکوب خویش اقدام به پایان دادن به این تخاصم، قطع کردن روابط میان کارگران و رهبران عملی آنان، دستگیری و ارباب کارگران و یا حداقل متوقف ساختن مقطعی اعتصاب را دارد. در چنین وضعیتی چندین وظیفه مهم بر دوش طبقه کارگر و همچنین هر نهاد، سندیکا، اتحادیه، حزب و یا هر تشکلی که خود را با ادعا و ماهیت کارگری تعریف نموده وجود دارد. یکی از این وظایف، حمایت بین المللی و اشاعه وضعیت معیشتی و کاری این زحمتکشان است. یعنی هر تشکلی با ماهیت پرولتری می بایست همچون تریبونی جهت انعکاس مطالبات، اعتراضات و وضعیت کنونی طبقه کارگر عمل نموده و کارزارهایی گسترده، بین المللی و سراسری را جهت حمایت از حقوق کارگران تدارک ببیند. این عمل به خصوص در چنین دوره ای که دولت سرمایه داری ایران می کوشد تا توجه و اعتماد جهانی و به خصوص کشورهای اروپایی را به خویش جلب کند، اهمیت زیادی دارد.

وظیفه دیگر، ارائه آلترناتیو به طبقه کارگر با توجه به اوضاع درونی آن است. در اینجا تشکل های کارگری باید ضمن حمایت همه جانبه از طبقه کارگر به کارگران رهیافت هایی ارائه دهند تا کارگران تمامی عوامل را تحت نظر گرفته و با تکیه بر تجربیات جمعی پیشتر، عمل قهرآمیز سازمان یافته را تا سر حد کنترل کارگری پیش ببرند. یکی از این رهیافت ها که می تواند نقش مهمی در زمینه تداوم اعتصاب ایفا کند «کمیته های مخفی اعتصاب» است. این کمیته جدا از سازمان دهی اعتصاب کنندگان و تهیه ملزومات آن ها در طی جریان اعتصاب، همچون یک تشکل اطلاعاتی و تبلیغاتی نیز عمل خواهد کرد. به طوری که به جذب تعداد بیشتر کارگران به صفوف اعتصابیون پرداخته و همچنین نقش مخرب اعتصاب شکنان و عوامل نفوذی را تشخیص داده و چنین افراد و گروه هایی را طرد و افشا می نماید.

تشکیل کمیته های مخفی اعتصاب از آن رو اهمیت دارد که می تواند به دور از سازوکار های حقوقی که خود سرمایه داری به وجود آورده، دستگاه سرکوب بی رحمانه ی بورژوازی را به چالش کشیده و آن نظام و تقویت کننده آن را نیز افشا کند تا کارگران دیگر هرگز خیال سازش و اعتماد به دولت سرمایه داری را در سر نپرورانده و به وعده های پوшالی غایندگان آن خوش بین نباشند.

با نظر به اینکه در شرایط امروز ایران زمینه اعتصاب سراسری وجود دارد، لذا ایجاد انگیزه در تمامی محیط های کار جهت سازمان دهی سراسری اعتصاب کارگری از اهمیت بسیار برخوردار است. تزلزل و تردید کارگران و تنها گذاشتن و منزوی شدن تنها یک بخش و یک کارخانه در اعتصاب، نه تنها موجب تمرکز نیروهای سرکوب بر آن مناطق می گردد، بلکه موجب شکسته شدن صفوف اعتصابیون و همچنین نابود شدن اعتماد به نفس آنان جهت سازمان دهی اعتصابات آتی می گردد. کارگران می بایست به مثابه طبقه ای واحد و مستقل به محض مشاهده نخستین نشانه های اعتصاب در دیگر کارگاه های تولیدی دست به اعتراض و اعتصاب زده تا بدین شکل همبستگی و وحدت برنامه خویش را به نمایش بگذارند و نشان دهند که می توانند بزرگ ترین نقش را در دگرگونی اجتماعی و اقتصادی ایفا نمایند.

سازمانیابی کارگری

کارگران ایران تنها با اتکا به نیروی خود و از طریق مبارزات، سیاست و برنامه مستقل خود قادر به دست یابی به حقوقشان خواهند شد. کارگران می باید تحت هر وضعیتی خود را سازمان بدهند و با ابزار مبارزاتی خود علیه رژیم سرمایه داری مقاومت کنند. قدرت تصمیم گیری در مورد سرنوشت کارگران، هیچ گاه نباید به این و یا آن نیرو و یا رهبران و سیاستمداران دولتی واگذار شود. پیروزی نهایی هر حرکت اجتماعی تنها با مبارزه مستقل توده ها و سازماندهی مستقل این اقدام تضمین خواهد شد. شکل های نهادهای کارگری که به وسیله خود بخش پیشروی کارگری سازمان یابد، در تحلیل نهایی پاسخ گوی نیازهای آنان خواهد بود- نهادهایی که می تواند توده ها و یا بخش پیشتاز و پیشروی آنان را به طور دموکراتیک و جدا از هرگونه افتراق حول مبارزات مشخص و عملی علیه دولت سرمایه داری بسیج کند.

محافل مخفی کارگری

پس از انقلاب بهمن ماه ۱۳۵۷، با افزایش فشارها علیه کارگران و زحمتکشان و تغییر تناسب قوا به ضرر کارگران، تشکل های مشخصی بر اساس نیاز مبارزاتی کارگران پیشرو در مراکز صنعتی توسط محافل کارگری مبارز شکل گرفت. این شکل از تشکل مستقل کارگری، محافل مخفی کارگران پیشرو بوده است. محافل مخفی کارگری که متناسب با تجربیات مبارزات شورایی دوره قبل از قیام و در تداوم آن شکل گرفت و به وسیله بخش پیشروی کارگری (مبارزینی) که با اتکا به تجربه انباشت شده گذشته به درک وظایف و تکالیف روزمره و مسائل سازماندهی مبارزه دست یافته بودند و در اکثر اوقات جدا از گروه ها و سازمان های مدافع طبقه کارگر و روشنفکران عمل می کردند) سازمان یافتند. گسترش و هماهنگ کردن فعالیت های این محافل و کمیته های عمل در درون یک تشکیلات سیاسی، ابتدا در سطح ملی و سپس در سطح سراسری ضامن پیروزی نهایی طبقه کارگر علیه سرمایه داری است. وظایف این کمیته ها سازماندهی کلیه جوانب فعالیت های کارگری است (سازماندهی اعتصاب، تحریم نهادهای دولتی، مبارزات اقتصادی و صنفی و غیره).

شوراهای کارگری

در وضعیت اعتلای انقلابی جنبش کارگری (و نه در هر شرایطی)، شوراهای می توانند در هر شهر و هر روستا از طریق انتخابات نمایندگان کارگران و زحمتکشان ایجاد گردند و بر کلیه امور منطقه خود نظارت کنند. وحدت کمیته های کارخانه، محلات، سربازان، بیکاران، روستائیان و کلیه زحمتکشان، پایه های اصلی شوراهای را بنیاد می گذارند. این نهاد اولیه برای تشکیل حکومت کارگران و زحمتکشان است. شوراهای محدود به برنامه خاص یک حزب و یا یک گروه نمی باشند. درهای شوراهای بر روی کلیه استثمار شدگان و یا نمایندگان منتخب آنان باز است. تمام گرایش های سیاسی قادر به شرکت در شوراهای هستند. گرچه پس از تهاجم به دستاوردهای جنبش کارگری، چشم انداز شکل گیری سازمان های دائمی توده ای طبقه کارگر غیرمحمول گشته است، اما در شرایط اعتلای مجدد جنبش کارگری، سازمان های دموکراتیک توده ای می توانند سریعاً احیا گردند. کارگران مبارز خود را برای تشکیل چنین وضعیتی از هم اکنون آماده می کنند. اعتصابات دوره قیام به وضوح نشان داد که چرخ های جامعه را خود کارگران می چرخانند. کارگران و زحمتکشان، خود قادر به تعیین سرنوشت خویش هستند.

در مقابل قدرت متمرکز سرمایه داران، لازم است که توده محروم و ستمدیده جامعه، قدرت متشکل خود را سازمان دهد و مبارزات خود را هماهنگ کند و مستقلاً تصمیمات مربوط به امور خود را بگیرد. چنین عملی صرفاً از طریق اتحاد وسیع زحمتکشان در سازمان های مستقل توده ای، یعنی شوراهای، امکان پذیر است.

از برنامه اقدام کارگری

	telegram.me/actioncommittee
	facebook.com/workers.action.committee/
	eghdamkargaari.wordpress.com
	Komite.eghdam.2015@gmail.com